

# مدرسه هوشمند: ورود تکنولوژی یا ورود عقل و دل

محمود زارع، مشاور آموزشی مجتمع آموزشی جوادالائمه(ع)

• جای‌گزینی تفکر تحصیل به جای تدریس، این‌که صرفه آموزش‌دهنده نباشیم بلکه خود نیز مرتب در حال یادگیری باشیم.

• جای‌گزینی تفکر استفاده به جای نگاه‌داری، این‌که تفکر جمع‌آوری و نگاه‌داری نداشته باشیم. از داشته‌های موجود لذت ببریم و تا حد ممکن از آن‌ها استفاده کنیم. به عبارت دیگر انباردار نباشیم، چه در حوزه‌ی عقل و چه در حوزه‌ی تجهیزات. به زبان ساده‌تر هنر دور ریختن اطلاعات کهنه را داشته باشیم.

• جای‌گزینی تفکر تسلط بر ابزار به جای ابزار مسلط، یعنی اجازه ندهیم که ابزار بر ما تسلط پیدا کنند بلکه ما برای رسیدن به هدف خود از ابزار سود جسته و بر آن‌ها مسلط باشیم. فهم‌محور باشیم به جای تکنولوژی‌محور. بدانیم که فن‌آوری‌ها هدف ما نیستند بلکه ابزارهایی برای دست‌یابی به هدف هستند.

• جای‌گزینی تفکر ایده‌ی پیشرفته به جای ابزار پیچیده؛ ایده‌های جدید ابزارهای جدید طلب می‌کند و مهم این است که آن‌ها را به کار بگیریم.

• مربی به جای معلم؛ فقط درس ندهیم. تربیت‌کننده باشیم، آن‌هم از جنس تربیت همه‌جانبه.

• انگیزش به جای اجبار؛ توجه داشته باشیم که فرآیند تحصیل متکی به حرکت دانش‌آموزان است و حرکت دانش‌آموزان متکی به انگیزه.

• عمل‌گرایی به جای نظریه‌پردازی؛ اهل فعل و عمل باشیم. توانایی‌محوری شعار مدرسه‌ی ما باشد.

• جای‌گزینی مناسب به جای وابستگی مطلق؛ به دنبال راه‌های جدید، کوتاه و با کیفیت باشیم. جست‌وجو کنیم، پیدا کنیم و به کار بندیم، اما تا مسیرهای جدید در دستور کار قرار نگرفته مسیرهای قبلی نباید کنار گذاشته شود.

• عدالت به جای مساوات؛ مساوات همیشه یعنی برابر، اما عدالت یعنی حق به حق‌دار برسد. به عدالت رفتار کنید و حق را به حق‌دارش برسانید.

• قانون به جای اجتهاد؛ اجتهادها نوعی از تفکرات سلیقه‌ای و شخصی هستند که به‌طور معمول مبنای قانونی و فکری ندارند، اما نظریه می‌تواند مبنایی اصولی داشته باشد و در صورت تأیید قابلیت اجرایی پیدا کند. در این مورد باید توجه داشت که اظهارنظر نیز با اجتهاد متفاوت است.

• تعامل به جای تحکم؛ حاکمیت روابط انسانی محیطی آرام و دل‌پذیر می‌سازد. مدرسه محل حکومت نیست بلکه محل دل‌داده‌گی است، آن‌هم از جنس مهربانی. ■

آغاز نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم با انقلاب در تولید تکنولوژی و فن‌آوری هم‌راه بود. قرن نوزدهم و به ویژه نیمه‌ی دوم آن، قرن انقلاب تکنولوژی نام‌گذاری شده است که در آن شش انقلاب مؤثر در حوزه‌ی دانش بشری به‌وقوع پیوسته است. اولین انقلاب، تولید کامپیوترهای تجاری و آخرین آن‌ها انقلاب در صنعت موبایل بود. در این مسیر، تکنولوژی و فن‌آوری‌های پیشرفته به تمامی وارد حوزه‌های صنعت، کشاورزی، خدمات و هنر شدند و نظام آموزشی هم از این ره‌گذر سود جست. ورود فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات مسیر آموزش را تغییر داد که به‌جرات می‌توان گفت شعار آموزش، همیشه، همه‌جا و برای همه به یک واقعیت تبدیل گردید.

این اواخر موضوع بیماری کووید ۱۹ نیز مزید بر علت شد و نظام آموزشی به برکت تجهیزات نیمه‌پیشرفته به شکل مجازی درآمد. این جریان به متولیان نظام تعلیم و تربیت فهماند که به جز شیوه‌ی موجود راه‌های مؤثر دیگری هم برای یادگیری وجود دارد. نکته‌ی مهمی که مدت‌هاست اذهان را به خود مشغول کرده است درباره‌ی هوشمند بودن تکنولوژی و هوشمند بودن فضای آموزشی است. آیا داشتن ابزارهای آموزشی در آخرین پیشرفت‌های تکنولوژی می‌تواند به درجه‌ی هوشمندی برسند؟ آیا هوشمندبودن و هوشمندشدن مدارس به برکت وجود تکنولوژی‌های پیشرفته و وجود نرم‌افزارهای به‌روزشونده محقق می‌شود؟

شکی نیست که وجود سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای جدید آموزش را سرعت بخشیده و روش‌های نوین آموزشی را در اختیار ما گذاشته‌اند. مزایای روش‌های نوین آموزشی و آموزش سریع‌تر هم بر هیچ‌کس پوشیده نیست و مسیر آموزشی را بسیار هموار کرده است، اما زمانی این پازل کامل می‌شود که دو عنصر عقل و دل هم به میدان بیایند. به عبارتی این مفهوم حالا چهارپایه دارد و این چهار پایه، هم قدرت ایستاده‌گی را بیش‌تر کرده، هم قدرت تحمل وزن را بالا برده و هم از تعادل بیش‌تری برخوردار است. اگر در فضاهای آموزشی در کنار وجود فن‌آوری‌های زمینه، حاکمیت عقل و دل نیز فراهم شود، به طور قطع شاهد رشد، پیشرفت و موفقیت‌های بهتری در این حوزه خواهیم بود، به‌گونه‌ای که کیفیت آموزشی افزایش پیدا کرده و محیط آموزش مطلوب‌تر می‌شود و ما شاهد بهره‌وری مناسبی خواهیم بود. لذا برای دست‌یابی به این موقعیت لازم است جابه‌جایی‌هایی به شرح ذیل در تفکرات کارگزاران به وجود آید.

• جای‌گزینی تفکر مدیریت به جای تفکر مالکیت، این‌که درک کنیم ما مالک هیچ‌کس و هیچ چیز نیستیم. برای اموال و فضاهای آموزشی مدیر و برای دانش‌آموزان رهبر انسانی باشیم.